

مفهوم متمم در زبان‌های روسی و فارسی

سید حسن زهرایی

استادیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

تاریخ وصول: ۸۳/۱۱/۵

تاریخ تأیید نهایی: ۸۳/۱۲/۱۰

چکیده

زبان‌های روسی و فارسی که به لحاظ رده‌شناختی به یک خانواده زبانی (شاخه زبان‌های هند و اروپایی) تعلق دارند، دارای یک سری مشترکات به لحاظ ساختار صرفی و نحوی‌اند. متمم به عنوان یکی از اجزای فرعی جمله، از موضوعات نحوی است که در هر دو زبان روسی و فارسی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. با پذیرفتن تعریف جامعی از متمم، تحت عنوان کلمه‌ای که چیزی را به معنای کلمه دیگر می‌افزاید و به عبارتی، معنای آن را تمام می‌کند، می‌توان متمم اسم (определение)، متمم قیدی (обстоятельство) و بدل (приложение) را به عنوان انواع متمم در ساختار جملات روسی تعیین کرد. این مقاله به بررسی ماهیت متمم و انواع آن در دستور زبان روسی با نگاهی به برداشت آن در دستور زبان فارسی می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: متمم، متمم اسم، متمم قیدی، صرف اسمی.

مقدمه

اصطلاح متمم در دستور سنتی زبان فارسی توسط دستورنویسان، عمدتاً با تکیه همزمان بر دو وجه صورت و معنای زبان تعریف می‌شود. بر این اساس متمم، چه به هنگام تعریف آن به عنوان کلمه‌ای در ترکیب با فعل (وزین‌پور، ۱۳۷۵، ص ۹۹؛ انوری، ۱۳۷۳، ص ۱۲۱) و چه به هنگام تعیین آن به عنوان وابسته در ترکیب با کلماتی از قبیل فعل، اسم، صفت و قید (فرشیدورد، ۱۳۷۵، ص ۵۵؛ نوبهار، ۱۳۷۲، ص ۸۷) به عنوان اسمی مشخص می‌شود که می‌تواند به وسیله حرف اضافه چیزی را به معنای کلمه دیگر بیافزاید یا، به عبارتی دیگر، معنی کلمه دیگر را تمام کند. به این ترتیب، با توجه به تعریف فوق از متمم، مشاهده می‌شود که در دستور سنتی زبان فارسی، استناد به صورت زبان، یعنی قائل بودن به وجود یک حرف اضافه در کنار اسم، به عنوان یکی از معیارهای اصلی در تعیین و تعریف متمم مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین، مثلاً، چنانچه در ساختار جمله‌های فارسی، اسمی از نظر معنا دارای ویژگی‌های مربوط به متمم باشد، اما بدون حرف اضافه به کار رفته باشد، عموماً متمم تعیین نمی‌شود. ارائه چنین تعریفی برای متمم در دستور سنتی زبان فارسی، با توجه به نظام دستوری زبان فارسی ممکن است توجیه‌پذیر باشد. اما آنچه که باعث توجه نگارنده مقاله به اصطلاح متمم در ارتباط با دستور زبان روسی می‌شود، تکیه و استناد به جنبه «معنا» است که در تعریف فوق از متمم ملاحظه می‌شود. یعنی، توجه به عبارت «افزودن چیزی به معنای کلمه دیگر و تمام کردن معنای کلمه دیگر». البته باید خاطر نشان ساخت که استنباط فوق از متمم را می‌توان در معدود آثار زبان‌شناسان و دستورنویسان فارسی نیز مشاهده کرد. در کتاب دستور زبان فارسی (پنج استاد) در تعریف متمم، بدون تأکید بر لزوم وجود حرف اضافه، چنین آمده است: «هرگاه مسند یا مسندالیه مضاف یا موصوف باشند، صفت و مضاف‌الیه را متمم گویند و در این صورت دو کلمه یا بیشتر در حکم یک کلمه است و جزء اول به جزء دوم تمام می‌شود.» (قریب، ۱۳۷۳، ص ۲۱۵).

در مقاله حاضر سعی شده است تا اصطلاح متمم در ارتباط با آن دسته از اجزای جمله روسی که با برداشت نگارنده مقاله از اصطلاح متمم مطابقت دارند، بررسی شود و انواع متمم در ساختار جملات روسی مشخص شوند.

رابطه نحوی میان کلمات در زبان روسی

زبان روسی از جمله زبان‌های تصریفی به شمار می‌آید. در این زبان، از دیدگاه نحوی، ارتباط میان کلمات در جملات و عبارات به وسیله یکی از انواع رابطه‌های نحوی ایجاد می‌شود (بلاشاپکوا، ۱۹۸۹، ص ۵۴۰). همسانی، حاکمیت، همنشینی از انواع رابطه‌های نحوی‌اند (زهرایی، ۱۳۸۱، ص ۹۳).

میان دو کلمه هنگامی رابطه نحوی همسانی وجود دارد که یک کلمه (کلمه وابسته) از لحاظ ویژگی‌های دستوری تابع کلمه دیگر (هسته) است. کلمه وابسته در این نوع رابطه‌های نحوی اصطلاحاً از خود استقلال دستوری ندارد و از لحاظ کلیه ویژگی‌های دستوری با هسته مطابقت می‌نماید. به عنوان مثال، در عبارت **новый дом** (خانه جدید) کلمه مفرد مذکر **дом** (خانه) هسته عبارت است و صفت مفرد مذکر **новый** (جدید، نو) کلمه وابسته است. چنانچه در این عبارت به جای کلمه **дом** کلمه **квартира** (آپارتمان) را که یک اسم مفرد مؤنث است، به کار ببریم، در این صورت، صفت **новый** نیز بایستی به شکل مفرد مؤنث، یعنی به شکل **новая** مورد استفاده قرار گیرد.

در رابطه نحوی حاکمیت، نوع ویژگی دستوری حالت (**падеж**) در یک کلمه (کلمه وابسته) که معمولاً اسم است، توسط کلمه دیگر (هسته) تعیین می‌شود. هسته در این نوع رابطه‌های نحوی می‌تواند فعل، اسم، صفت یا قید باشد. به عبارات زیر دقت کنید:

<u>Встречать</u>	<u>отца</u>	<u>پدر را ملاقات کردن</u>	
۱	۲	۱	۲
مصدر فعل به عنوان هسته	اسم در حالت accusative/B.п.	به عنوان وابسته	

<u>Дом</u>	<u>отца</u>	<u>خانه پدر</u>
۱	۲	۲ ۱
اسم به عنوان هسته	اسم در حالت genitive/P.п. به عنوان وابسته	
Стакан	<u>ПОЛОН</u>	<u>ВОДЫ</u>
	۱	۲ ۱
	شکل کوتاه صفت به عنوان هسته	استکان پر از آب است. اسم در حالت genitive/P.п. به عنوان وابسته
<u>раньше</u>	<u>вас</u>	<u>زودتر (قبل) از شما</u>
۱	۲	۲ ۱
شکل تفضیلی قید به عنوان هسته	اسم در حالت genitive/P.п. به عنوان وابسته	

در مثال‌های فوق، هسته‌ها تعیین‌کننده حالت کلمات وابسته‌اند. به عنوان مثال، چنانچه در عبارت *встречать отца* (پدر را ملاقات کردن) به جای فعل *встречать* (ملاقات کردن) فعل دیگری را، از قبیل فعل *сказать* (گفتن) جایگزین کنیم، در این صورت مشاهده خواهیم کرد که کلمه *отец* (پدر) در حالت دیگر (در حالت *Д.п.*) و به شکل *отцу* (به پدر) به کار خواهد رفت، زیرا فعل *сказать* کلمه *отец* (پدر) را به عنوان مفعول در حالت *Д.п.* می‌طلبد.

در رابطه نحوی همنشینی، ارتباط و وابستگی یک کلمه (کلمه وابسته) به کلمه دیگر (هسته) تنها به واسطه رابطه معنایی و جایگاه آن مشخص می‌شود. کلمه وابسته را در این نوع رابطه‌های نحوی معمولاً کلمات غیر صرفی، مانند قید و مصدر تشکیل می‌دهند. به این ترتیب، در این نوع رابطه‌ها، کلمه وابسته هیچ‌گونه تغییر شکلی نمی‌یابد. به مثال‌های زیر دقت کنید:

<u>Хорошо</u>	<u>Читать</u>	<u>خوب خواندن</u>
۱	۲	۲ ۱
قید به عنوان وابسته	مصدر به عنوان هسته	
<u>любить</u>	<u>читать</u>	<u>خواندن را دوست داشتن</u>
۱	۲	۱ ۲
مصدر به عنوان وابسته	مصدر به عنوان هسته	
<u>очень</u>	<u>Много</u>	<u>خیلی زیاد</u>
۱	۲	۱ ۲
قید به عنوان وابسته	قید به عنوان هسته	

متمم به عنوان یکی از اجزای فرعی جمله در جملات روسی

در زبان روسی، همچون زبان فارسی، کلمات می‌توانند به هنگام ترکیب با کلمه‌ای دیگر، چیزی را به معنای آن کلمه بیافزایند یا، به عبارتی، معنای آن کلمه را تمام کنند. در کتاب دستور زبان روسی در تعریف اجزای فرعی جمله آمده است: «آن دسته اجزای جمله که برای توضیح و تعریف اجزای اصلی جمله به‌کار می‌روند، اجزای فرعی جمله نامیده می‌شوند. ... بنابراین در جمله در منزل سکوت عمیق حکمفرما بود (ایوان گنچاروف، ابلوموف) در ترکیب با فاعل (سکوت) و گزاره (حکمفرما بود) کلمات عمیق و در منزل به عنوان اجزای فرعی جمله وجود دارند که اجزای اصلی جمله را توضیح داده و مشخص می‌کنند» (دستور زبان روسی، ۱۹۵۴، ص ۵۲۲).

کلمات در ساختار جملات روسی در نقش اجزای فرعی جمله، به وسیله یکی از رابطه‌های نحوی و به همراه حرف اضافه یا بدون حرف اضافه با کلمه‌ای دیگر ترکیب می‌شوند. مثلاً، در جمله *Русская книга лежит на столе.* (کتاب روسی روی میز قرار دارد.) صفت *русская* (روسی) به وسیله رابطه نحوی همسانی و بدون حرف اضافه با کلمه *книга* (کتاب) ترکیب می‌شود و به این ترتیب، چیزی را به معنای کلمه *книга* (کتاب) که فاعل جمله است، می‌افزاید، یعنی نوع کتاب را مشخص می‌کند. در جمله *Книга по физике лежит на столе.* (کتاب فیزیک روی میز قرار دارد.) نیز، کلمه *физика*

(فیزیک) که از لحاظ نوع کلمه «اسم» به شمار می‌آید، به وسیلهٔ رابطهٔ نحوی حاکمیت، در حالت Д.п. با حرف اضافهٔ по با کلمهٔ книга (کتاب) ترکیب می‌شود. کلمهٔ физика (فیزیک) نیز، همانند صفت русская (روسی) در مثال قبل، چیزی را به معنای کلمهٔ книга (کتاب) که فاعل است، می‌افزاید، یعنی نوع کتاب را مشخص می‌کند. به این ترتیب، همان‌گونه که مشاهده می‌شود، کلمات русская (روسی) و физика (فیزیک) در مثال‌های بالا، هر دو از لحاظ معنا نقشی مشابه دارند. یعنی، هر دو به نوعی معنایی را به کلمهٔ دیگر، یعنی به کلمهٔ книга (کتاب)، می‌افزایند و به این وسیله آن را مشخص و معین می‌سازند یا، به عبارتی دیگر، معنای آن را تمام می‌کنند. اما، باید توجه کرد که کلمهٔ русская (روسی) بدون حرف اضافه و کلمهٔ физика (فیزیک) به همراه حرف اضافه در ترکیب با کلمهٔ книга (کتاب) به‌کار رفته‌اند.

با توجه به آنچه که بیان شد، ما اصطلاح متمم را به عنوان یکی از اجزای فرعی جمله در جملات روسی، این‌گونه تعریف می‌کنیم: «متمم کلمه‌ای است که در ساختار جملات بوسیلهٔ یکی از رابطه‌های نحوی با کلمه‌ای دیگر ترکیب می‌شود و چیزی را به معنای آن می‌افزاید یا، به عبارتی دیگر، معنای آن را تمام می‌کند». بنابراین، بر اساس این تعریف، در زبان روسی برای تعیین متمم، وجود حرف اضافه در کنار اسم به عنوان یک مشخصهٔ اصلی در نظر گرفته نمی‌شود.

به این ترتیب، آنچه که در دستور زبان فارسی به هنگام تعیین اجزای جمله، به شکل سنتی، به عنوان «صفت»، «مضاف‌الیه» و «قید» تعیین می‌شوند، می‌توانند در زبان روسی به عنوان گونه‌های مختلف متمم، یعنی «متمم اسم» و «متمم قیدی» مشخص شوند. لازم به توضیح است که با توجه به تعریف فوق از متمم و با توجه به جنبهٔ معنای زبان، حتی «مفعول» را نیز می‌توان به عنوان نوعی متمم، یعنی «متمم فعل» به شمار آورد. زیرا مفعول نیز کلمه‌ای است که در ساختار جملات چیزی را به معنای فعل می‌افزاید و به عبارتی، معنای فعل را تمام می‌کند. به مثال‌های زیر دقت کنید:

Я читаю книгу.

من کتاب می‌خوانم.

Я разговариваю с братом.

من با برادر صحبت می‌کنم.

در جمله‌های بالا، کلمه *книга* (کتاب) در ترکیب با فعل *читать* (خواندن) در حالت *В.п.* بدون حرف اضافه و کلمه *брат* (برادر) در ترکیب با فعل *разговаривать* (صحبت کردن) در حالت *Т.п.* با حرف اضافه *с* به کار رفته‌اند و معنای این افعال را تمام می‌کنند. در این مقاله، تنها متمم اسم و متمم قیدی به عنوان اجزای فرعی جمله مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

متمم اسم

متمم اسم آن جزء فرعی جمله است که با بیان برخی ویژگی‌ها و نشانه‌ها توضیحی را به معنا و مفهوم کسی یا چیزی که در جمله معمولاً توسط اسم بیان شده است، می‌افزاید، و به عبارتی، مفهوم آن را تمام می‌کند. متمم اسم در پاسخ به سؤال‌هایی از قبیل *какой?* (چطور؟ کدام؟) و *чей?* (مال چه کسی؟) به کار می‌رود (کیسلف، ۱۹۹۴، ص ۱۲۲):

- 1) - *Какая это книга?* این چه کتابی است؟
- *Это хорошая книга.* این کتاب خوبی است.
متمم اسم
- *Это книга по истории.* این کتاب تاریخ است.
متمم اسم
- 2) - *Чья это книга?* این کتاب چه کسی است؟
- *Это наша книга.* این کتاب ما است.
متمم اسم
- *Это книга учителя.* این کتاب معلم است.
متمم اسم

متمم‌های اسم را می‌توان با توجه به نوع کلمه‌ای که متمم اسم واقع می‌شود و همچنین بر اساس نوع رابطه نحوی‌ای که متمم اسم به وسیله آن با کلمات دیگر ترکیب می‌شود، به دو

نوع تقسیم کرد: ۱. متمم اسم صفتی (согласованное определение) ۲. متمم اسم مضاف‌الیهی (несогласованное определение).

متمم اسم صفتی که آن را به اختصار متمم صفتی می‌نامیم، آن جزء فرعی جمله است که به وسیله رابطه نحوی همسانی با اسم دیگری که آن را موصوف می‌نامیم، ترکیب می‌شود. از میان انواع کلمات روسی عمدتاً صفت، عدد ترتیبی، صفت فعلی (причастие) و همچنین برخی دیگر از انواع کلمات که قادرند به وسیله رابطه نحوی همسانی با اسم ترکیب شوند، می‌توانند در نقش متمم صفتی به کار بروند:

این جا دانشجویان خارجی تحصیل می‌کنند. Здесь учатся иностранные студенты.

	۱	۲		۱	۲
	صفت در نقش متمم صفتی	اسم به عنوان موصوف			
	۱	۲		۱	۲
	عدد ترتیبی در	اسم به عنوان موصوف			
	نقش متمم صفتی				
	۱	۲		۱	۲
	شکل بلند صفت	اسم به عنوان موصوف			
	فعلی در نقش متمم صفتی				

کتاب خوانده شده روی میز قرار دارد. Прочитанная книга лежит на столе.

	۱	۲		۱	۲
	شکل بلند صفت	اسم به عنوان موصوف			
	۱	۲		۱	۲
	فعلی در نقش متمم صفتی				

متمم اسم مضاف‌الیهی که آن را به اختصار متمم مضاف‌الیهی می‌نامیم، آن جزء فرعی جمله است که به وسیله رابطه نحوی حاکمیت با اسم دیگری که آن را مضاف می‌نامیم، ترکیب می‌شود و اصطلاحاً به آن اضافه می‌شود. از میان انواع کلمات روسی، عمدتاً اسامی در حالت‌های مختلف (به غیر از حالت И.п.) با حرف اضافه یا بدون حرف اضافه می‌توانند در نقش متمم مضاف‌الیهی به کار روند:

Квартира брата на втором этаже.

۱ ۲

Я купил учебник по физике.

۱ ۲

اسم در حالت *Д.п.* اسم به عنوان مضاف
حرف اضافه *по* در نقش متمم مضاف‌الیهی

آپارتمان برادر در طبقه دوم است.

۲ ۱

من کتاب درسی فیزیک خریدم.

۲ ۱

بدل یکی دیگر از اجزای فرعی جمله در زبان روسی است که عموماً به عنوان یکی از انواع متمم‌های اسم تعیین می‌شود. کلمه‌ای را که بدل با آن همراه می‌شود و آن را توضیح می‌دهد، مبدل‌منه می‌نامیم. بدل به همراه اسم به‌کار می‌رود و قادر است خصوصیات و ویژگی‌های مختلف مربوط به آن اسم را، از قبیل نام، حرفه، شغل، ملیت و غیره بیان کند. بدل در زبان روسی توسط اسم بیان می‌شود و غالباً از لحاظ ویژگی دستوری «حالت» و گاهی نیز از لحاظ ویژگی‌های دستوری «شمار» و «جنس» با مبدل‌منه مطابقت می‌کند (والگینا، ۱۹۹۱، ص ۱۲۷):

Я знаю инженера Петрова.

۱

اسم در حالت *В.п.* در نقش بدل اسم در حالت *В.п.*
به عنوان مبدل‌منه

من مهندس پتروف را می‌شناسم.

۲ ۱

Мы, студенты, должны много читать.

۱ ۲

ضمیر شخصی در حالت *И.п.* *И.п.* در حالت اسم
به عنوان مبدل‌منه در نقش بدل

Он разговаривает с инженером Петровым.

۱

اسم در حالت *Т.п.*
به عنوان مبدل‌منه

۲

اسم در حالت *Т.п.*
در نقش بدل

ما دانشجویان باید زیاد مطالعه کنیم.

۲ ۱

Я встретил своего друга - англичанина.

او با مهندس پتروف صحبت می‌کند. ۲ ۱
 ۱ ۲
 В.п. اسم در حالت В.п. اسم در حالت
 در نقش بدل به عنوان مبدل منه

من دوستم فرد انگلیسی را ملاقات کردم.

۲ ۱

متمم قیدی

متمم قیدی آن جزء فرعی جمله است که با بیان برخی ویژگی‌ها و نشانه‌ها، از قبیل زمان، مکان و غیره توضیحی را به معنا و مفهوم فعل و یا به معنا و مفهوم سایر اجزای جمله که توسط «صفت» یا «قید» بیان شده‌اند، می‌افزاید و آنان را به این ویژگی‌ها مقید می‌سازد (لکانت، ۲۰۰۱، ص ۳۶۹):

Он отлично работает.

او عالی کار می‌کند.

۱ ۲ ۲ ۱

متمم قیدی فعل

Он очень хороший студент.

او دانشجوی خیلی خوبی است.

۱ ۲ ۲ ۱

متمم قیدی صفت

Он очень хорошо работает.

او خیلی خوب کار می‌کند.

۱ ۲ ۲ ۱

متمم قیدی قید

قیدها و همچنین اسامی در حالت‌های فرعی جزو آن دسته از انواع کلماتند که قادرند در

نقش متمم قیدی در جمله‌ها به کار روند:

Он успешно окончил первый год обучения.

قید در نقش متمم قیدی

او با موفقیت سال اول تحصیلی را تمام کرد.

Он с успехом выступил.

او با موفقیت سخنرانی کرد.

اسم در حالت Т.П. با حرف اضافه с

در نقش متمم قیدی

متمم‌های قیدی را می‌توان با توجه به نوع ویژگی و نشانه‌ای که بیان می‌کنند و به این وسیله اجزای دیگر جمله را مقید می‌سازند، به انواعی تقسیم کرد. در زیر، به معرفی برخی از انواع متمم‌های قیدی در زبان روسی می‌پردازیم.

متمم قیدی زمان، به عنوان یکی از اجزای فرعی جمله می‌تواند در پاسخ به سؤال‌هایی از قبیل когда? (کی؟ چه وقت؟)، сколько времени? (چه مدت؟)، с какого времени? (از چه زمانی؟ از چه وقت؟)، до какого времени? (تا چه زمانی؟ تا چه وقت؟) و غیره به کار رود:

1) - Когда ты пойдёшь домой? - تو کی به منزل می‌روی؟

- Я иду домой вечером. - من شب به منزل می‌روم.

متمم قیدی زمان

2) - Сколько времени ты был на работе? - تو چه مدت سر کار بودی؟

- Я был на работе весь день. - من تمام روز سر کار بودم.

متمم قیدی زمان

3) - С какого времени ты работаешь здесь? - تو از چه زمانی این جا کار می‌کنی؟

- Я работаю здесь с прошлого года. - من از پارسال این جا کار می‌کنم.

متمم قیدی زمان

4) - До какого времени ты будешь его ждать? - تو تا چه زمانی منتظر او خواهی بود؟

- Я буду его ждать до утра. - من تا صبح منتظر او خواهم بود.

متمم قیدی زمان

متمم قیدی مکان، به عنوان یکی از اجزای فرعی جمله می‌تواند در پاسخ به سؤال‌هایی از قبیل где (کجا؟)، куда (به کجا؟)، откуда (از کجا؟) و غیره به کار رود:

1)- Где ты живёшь? - تو کجا زندگی می‌کنی؟
- Я живу в деревне. - من در روستا زندگی می‌کنم.

متمم قیدی مکان

2)- Куда ты идёшь? - تو کجا (به کجا) می‌روی؟
- Я иду домой. - من به منزل می‌روم.

متمم قیدی مکان

3)- Откуда ты идёшь? - تو از کجا می‌آیی؟
- Я иду из дома. - من از منزل می‌آیم.

متمم قیدی مکان

متمم قیدی کیفیت، به عنوان یکی از اجزای فرعی جمله می‌تواند در پاسخ به سؤال‌هایی از قبیل как (چطور؟ چگونه؟)، каким образом (چطور؟ چگونه؟ به چه شکل؟) و غیره به کار رود:

1)- Как он говорит? - او چطور صحبت می‌کند؟
- Он говорит быстро. - او تند صحبت می‌کند.

متمم قیدی کیفیت

2)- Каким образом они смогли сделать эту работу? - آن‌ها چطور؟ (به چه شکل) توانستند این کار را انجام بدهند؟
- Они сделали эту работу с помощью друзей. - آن‌ها این کار را با کمک دوستان انجام دادند.

متمم قیدی کیفیت

متمم قیدی مقدار به عنوان یکی از اجزای فرعی جمله می‌تواند در پاسخ به سؤال‌هایی از قبیل насколько (چقدر؟ چه مقدار؟ چه اندازه؟)، в какой степени (چقدر؟ چه مقدار؟ چه اندازه؟) و غیره به کار رود:

۱) - Насколько он способный человек? او تا چه اندازه فرد با استعدادی است؟

- Он очень способный человек. او فرد خیلی با استعدادی است.

متمم قیدی مقدار

۲) - В какой степени можно ему доверять? چه اندازه می‌توان به او اطمینان کرد؟

- Ему можно доверять полностью. به او کاملاً می‌توان اطمینان کرد.

متمم قیدی مقدار

متمم قیدی علت، به عنوان یکی از اجزای فرعی جمله می‌تواند در پاسخ به سؤال‌هایی از قبیل почему (چرا؟ به چه علت؟)، по какой причине (به چه علت؟) و غیره به کار رود:

۱) - Почему ты дрожишь? تو چرا می‌لرزی؟

- Я дрожу от холода. من از سرما می‌لرزم.

متمم قیدی علت

۲) - По какой причине произошла авария? به چه علت تصادف اتفاق افتاده است؟

- Авария произошла из-за невнимания водителей. تصادف به علت بی‌توجهی رانندگان اتفاق افتاده است.

متمم قیدی علت

متمم قیدی هدف به عنوان یکی از اجزای فرعی جمله می‌تواند در پاسخ به سؤال‌هایی از قبیل *зачем?* (برای چه؟ به چه منظور؟)، *с какой целью?* (به چه منظور؟ با چه هدفی؟) و غیره به کار رود:

- تو برای چه به این‌جا آمده‌ای؟
 1) *Зачем ты пришёл сюда?*
 - من برای کتاب (به دنبال کتاب) به این‌جا آمده‌ام.
-Я пришёл сюда за книгой.
 متمم قیدی هدف

- به چه منظور (با چه هدفی) این هیئت به ایران آمده است؟
 2) *С какой целью приехала эта делегация в Иран?*
 - این هیئت برای انجام مذاکرات به ایران آمده است.
-Эта делегация приехала в Иран для проведения переговоров.
 متمم قیدی هدف

متمم قیدی شرط، به عنوان یکی از اجزای فرعی جمله می‌تواند در پاسخ به سؤال‌هایی از قبیل *при каком условии?* (به چه شرطی؟ تحت چه شرایطی؟) به کار رود:

- *При каком условии можно подняться в эту гору?*
 - تحت چه شرایطی می‌توان به این کوه صعود کرد؟
-В эту гору можно подняться только при ясной и солнечной погоде.
 متمم قیدی شرط

- تنها به هنگام (تحت شرایط) هوای صاف و آفتابی می‌توان به این کوه صعود کرد.

نتیجه‌گیری

اصطلاح «متمم» را می‌توان در دو زبان فارسی و روسی با تعریفی یکسان، به عنوان کلمه‌ای که چیزی را به معنای کلمه دیگر می‌افزاید و به عبارتی، معنای آن را تمام می‌کند، به

کار برد. بر این اساس، آنچه را که در دستور سنتی زبان فارسی «صفت»، «مضاف‌الیه»، «بدل» و «قید» می‌نامند، می‌توان به عنوان انواع متمم (متمم اسم و متمم قیدی) در نظر گرفت. از آنجایی که کلمات در زبان روسی به کمک یکی از انواع رابطه‌های نحوی به همراه حرف اضافه یا بدون حرف اضافه با یکدیگر ترکیب می‌شوند، بنابراین، وجود یک حرف اضافه در کنار کلمه به عنوان مشخصه اصلی در تعیین متمم در زبان روسی در نظر گرفته نمی‌شود. با توجه به نقش مفعول در ساختار جملات، مفعول را نیز می‌توان به عنوان یکی از انواع متمم (متمم فعل) به شمار آورد.

منابع

- ۱- انوری، حسن، احمدی گیوی، حسن. دستور زبان فارسی ۲، تهران: انتشارات فاطمی، ۱۳۷۳.
- ۲- زهرایی، سید حسن. مجله پژوهش دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران، شماره ۱۲، ۱۳۸۱.
- ۳- فرشیدورد، خسرو. گفتارهایی درباره دستور زبان فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۵.
- ۴- قریب، عبدالعظیم، و دیگران. دستور زبان فارسی (پنج استاد)، تهران: نشر جهان دانش، ۱۳۷۳.
- ۵- نوبهار، مهرانگیز. دستور کاربردی زبان روسی، تهران: انتشارات راهنما، ۱۳۷۲.
- ۶- وزین‌پور، نادر. دستور زبان فارسی، تهران: انتشارات معین، ۱۳۷۵.
- 7- Белошапкова В.А. Современный русский литературный язык. Москва, 1989.
- 8- Валгина Н.С. Синтаксис русского языка. Москва, 1991.
- 9- Грамматика русского языка. Т.2, Москва, 1954.
- 10- Киселев И.А. Современный русский язык. Минск, 1994.
- 11- Лекант П.А. Современный русский язык. Москва, 2001.